بسم الله الرحمن الرحیم

اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم

خارج فقه جلسه96..14/11/1399

( فصل فی المطهرات - الاستحالة - إن تبدل الخشب المتنجس بالذغال هل یکون مطهرا ؟ - اقوال فی المسالة - ما هو حکم الشک فی الاستحالة ؟ )

در آخر بحث مساله استحاله سه موضوع مهمی باقی مانده است :

موضوع اول : اگر چوب نجس یا عذره زغال شود آیا پاک می شود یا نه ؟ فقها در این مساله بحث حکمی ندارند بلکه بحث موضوعی دارند یعنی ایا استحاله بر زغال صدق می کند یا نه؟ اقوال علماء :

مرحوم محقق ثانی در جامع المقاصد در بحث مطهریت آتش فرمودند که اگر آتش چوب نجس را به خاکستر یا به دود تبدیل کند بالاجماع مطهر است اما اگرآتش چوب نجس را به زغال تبدیل کند بنابر اظهر وجهین پاک است پس از نظر ایشان به زغال استحاله می گویند در ج ۱ ص ۱۷۹

مرحوم شهید ثانی مخالفت کرده و صدق استحاله بر دود و خاکستر را پذیرفته اما ذغال را قبول ندارد مسالک ج ۱ ص ۱۳۰ مرحوم حائری ره در متن عروه درباره صدق استحاله بر زغال تامل و تردید کرده چون شک دارد که زغال همان چوب هست یا نه و موضوع باقی هست یا نه ؟

مرحوم سید حکیم فتوا به طهارت زغال دادند و قاعده طهارت جاری کردند و استصحاب نجاست را جاری نمی داند چون شک در بقاء و ارتفاع موضوع دارد یعنی آیا زغال چوب هست یا نه و در استصحاب وحدت موضوع شرط است که اگر احراز نشود نمی شود استصحاب جاری کرد

نظر استاد : بین این دو فتوا اکثرا فتوا به نجاست زغال داده اند حتی مراجع عظام فعلی ، بخاطر این است که این عده در بقای موضوع شک ندارند و می گویند ذغال همان چوب است و چوب نجس بود و شک داری استصحاب بقای نجاست جاری نمی شود و هو المختار

موضوع دوم : اگر از گِل نجس کوزه یا اجر بسازند پاک هست یا خیر ؟ در اینجا هم اختلاف فقها حکمی نیست بلکه اختلاف موضوعی است یعنی بر اجر یا کوزه استحاله صدق می کند یا نه ؟ سه تا قول اینجا هست

قول اول : طهارت است و نسبت به اکثر فقها داده شده مثل شیخ طوسی در مبسوط و خلاف ، و علامه ...

قول دوم :حکم به نجاست مثل مرحوم شهید ثانی در مسالک و روضه ، مرحوم علامه مجلسی در روضة المتقین و مرحوم فخر المحققین در ایضاح

قول سوم : توقف است مثل علامه در قواعد .

دلائل قول اول :

دلیل اول : از نظر حکم و موضوع متفاوت است ، که عبارتند از اینکه مرحوم شیخ ادعای اجماع بر طهارت کوزه و آجر کرده است

دلیل دوم : صحیحه ابن محبوب در خبر گچ که در مصداق اول از مصادیق استحاله گذشت و از امام سوال شد که گچ را با عذره و استخوان مرده می پزند آنگاه گچ را در مکان سجده گچ کاری کنند آیا سجده بر آنجا جایز است ؟ امام علیه السلام نوشتند إن الما ء والنار قد طهراه از اطلاق کلام امام استفاده می شود که آب و آتش ، کوزه و آجر را هم پاک می کنند چون این دو در کوره قرار می گیرند

دلیل سوم : وقتی گل نجس تبدیل به کوره و آجر می شود موضوع عوض می شود و با تبدل موضوع استصحاب نجاست جاری نیست و طهارت جاری می شود

اشکال به ادله فوق :

اما اجماع اگر منقول باشد حجت نیست و اگر محصل باشد تحصیل ما بر خلاف است و اکثر فتوی بر نجاست داده اند

اما از نظر موضوع عرف بین آجر و کوزه وگل مغایرتی نمی بیند بلکه می گوید اوصاف آن عوض شده و گل پخته متفرق می شود و کوزه و آجر چسبندگی دارد و یا مثل گندم و نان است که نان همان گندم است و مغایرت در جایی است که حقیقت نوعیه عوض شود اما در اینجا عوض نشد ه برخلاف خاکستر و چوب ( بحث در آن روایت قبلا بحث شده است )

موضوع سوم : حکم شک در استحاله است

تارة : شبهه مصداقیه است یعنی شک در استحاله مسبب از اشتباه امور خارجیه هست مثلا سگ در نمک زار هست و شک می کنم آیا نمک شده یا نه ‌و منشاء شک خارج است در اینجا حکم به طهارت نمی شود چون شک در حصول مطهر می باشد و مطهر استحاله است و مادامی که استحاله محرز نشود اصل بر عدم طهارت است و استصحاب بقای نجاست جاری می کنیم زیرا استصحاب بقای اصل مسببی است و اصل عدم استحاله یا اصل عدم حصول مطهر اصل سببی است و اصل سببی مقدم بر اصل مسببی است

اخری : شبهه مفهومیه است یعنی ناشی شده از شک در سعه و ضیق مفهوم ( که دامنه این مفهوم مشخص نیست ) مثلا اگر عذره زغال شود استحاله گفته می شود و مفهوم استحاله آنقدر وسیع هست که زغال را شامل بشود یا نه ؟ و استحاله آیا تغییر حقیقت نوعیه هست و یا شامل تغییر اوصاف هم می شود یا نه ؟ در اینجا استصحاب جاری نمی شود چون چند تا استصحاب در اینجا هست :

یک : استصحاب عدم استحاله ، اصل این است که این زغال استحاله نشده است ، اشکال این استصحاب این است که مفهوم زغال و چوب مردد است و یقین و شک لاحق نیست عرف باید حکم به بقای موضوع بکند یا به عنوان و بقای موضوع بکند تا استصحاب جاری شود درحالی که در موضوع شک هست

دوم : استصحاب بقای عذره جاری شود و این هم جاری نیست مثل بالا

سوم : استصحاب حکمی نجاست جاری کنیم که این هم جاری نمی شود چون در استصحاب احراز وحدت موضوع لازم است و در اینجا احراز نشده است چون ما یقین داریم که عذره وقتی زغال شود از عذره بودن زائل شده ولی نمی دانیم به این زغال از نظر عرف عذره می گویند یا نه ؟